



سخنرانی مریم رجوی در کنفرانس «چهار دهه جنایت علیه بشریت و مصونیت
از مجازات» در سی و پنجمین سالگرد قتل عام ۶۷

۳۰ مرداد ۱۴۰۲

روز دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۲، کنفرانس «چهار دهه جنایت علیه بشریت و مصونیت از مجازات» به مناسبت سی و پنجمین سالگرد قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی با شرکت شماری از برجسته‌ترین قضات و حقوق‌دانان بین‌المللی در پاریس برگزار شد.

سخنرانان این جلسه عبارت بودند از: پروفسور چیله ابو اسوجی رئیس دادگاه جنایی بین‌المللی لاهه (۲۰۲۱)، پروفسور لایلا نادیا سادات مشاور ویژه دادستان دادگاه جنایی بین‌المللی لاهه در خصوص جنایت علیه بشریت (۲۰۱۲-۲۰۲۳)، پروفسور وولفگانگ شومبورگ قاضی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و قاضی دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا، پروفسور ویلیام شیباس رئیس کمیسیون مستقل تحقیق سازمان ملل در نوار غزه (۲۰۱۵) و رئیس نهاد بین‌المللی محققان نسل‌کشی (۲۰۱۱)، پروفسور ویلناس واداپالاس قاضی دادگاه عمومی اتحادیه اروپا (۲۰۱۳)، پروفسور والرینو چوکا قاضی دادگاه عمومی اتحادیه اروپا (۲۰۱۰)، اولکساندرا ماتویچوک حقوق‌دان برنده جایزه صلح نوبل (۲۰۲۲)، سرجفری نایس دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه میلوسویچ، شیلا پایلان وکیل بین‌المللی حقوق بشر و مشاور حقوقی سابق سازمان ملل به مدت ۱۵ سال، دیوید جونز نماینده مجلس عوام انگلستان وزیر سابق برگزیت و ولز، پروفسور آخو ویدال کوادراس رئیس کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت و نایب رئیس پارلمان اروپا (۲۰۱۴-۱۹۹۹) و طاهر بومدرا رئیس کمیته دادخواهی برای قربانیان قتل عام ۶۷ و رئیس دفتر حقوق بشر سازمان ملل در عراق (۲۰۱۲).

در آغاز اجلاس، مریم رجوی به میهمانان خوشامد گفت و طی سخنانی به مناسبت سی و پنجمین سالگرد قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ گفت: زمان پایان دادن به مصونیت سران رژیم از تعقیب و مجازات به‌خاطر نسل‌کشی فرا رسیده است.

متن این سخنرانی را در زیر می‌خوانید:

درود می‌فرستم به شما صاحب‌نظران، حقوقدانان، متخصصان، و یاران مقاومت که در سالگرد قتل‌عام ۳۰هزار زندانی مجاهد و مبارز، در این کنفرانس حضور یافته‌اید.

۳۵ سال پیش، در همین روزها، جلادان تحت فرمان خمینی، که رئیس جمهور کنونی رژیم، آخوند رئیسی یکی از فعال‌ترین آنها بود، به کشتار زندانیان مجاهد دست زدند و در ادامه به کشتار زندانیان مارکسیست و سایر مبارزان رو آوردند. اما گذشت ۳۵ سال از آن جنایت عظیم و مخفی کردن یا انهدام مزارهای قتل‌عام‌شدگان نتوانست آن قهرمانان را به فراموشی بسپارد.

بدون شک این بزرگترین قتل‌عام زندانیان سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم است که مسئولان آن مجازات نشده باقی مانده‌اند.

هر یک از آن سربهداران نمونه انسان‌های فداکار، وارسته و محبوب در شهرهای خود بوده‌اند. هریک به‌طور متوسط، ۵ تا ۷ سال در زندان‌های سیاسی خمینی زیر شکنجه‌های وحشتناک، مقاومت کرده بودند. هر یک از آنها آرمانی را پیش روی خود داشتند؛ برای ساختن یک جامعه آزاد، برابر و پیشرفته؛ یک جامعه رها شده از جهل و ستم و اجبار و بی‌عدالتی.

مجاهدان «سرموضع»، پرچم شرف و آزادی

وقتی از آنها خواسته شد میان دست‌برداشتن از آرمان مجاهدین و طناب دار یکی را انتخاب کنند، آنها یک به‌یک آگاهانه، هوشیارانه و با سربلندی، دومی را برگزیدند. یعنی آرمانشان را. سپس در راهروهای اعدام، بنا به اعتراف دژخیمان، با فریاد مرگ بر خمینی، سلام بر آزادی و درود بر مسعود به‌سوی سرنوشت رفتند.

این صحنه‌های تکان‌دهنده در سالن‌های پر از حلقه‌های دار پایان نپذیرفت. این چرخه کشتار توسط آخوندهای جنایتکار تا همین امروز ادامه دارد. زیرا مقاومت‌ها، شورش‌ها و قیام‌های مردم ایران برای سرنگونی رژیم ادامه داشته و ادامه دارد.

قتل عام ۶۷، وجدان مبارزاتی جامعه ایران است و در حافظه تاریخ ایران، همیشه تازه است. مادران و پدران و بازماندگان آن قتل‌عام شدگان هنوز به دنبال مزار فرزندان‌شان هستند. هنوز به آخرین لحظات زندگی فرزندشان فکر می‌کنند، به آخرین وسایلی که از آن‌ها باقی مانده است، به ساعت‌هایی که هنگام قتل‌عام‌شان شکسته شده و عقربه‌هایی که ساعت اعدام را ثبت کرده است. آن‌ها نه می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند.

در آن زمان خمینی دستور داد هرکس که بر سر موضع خود در هواداری از آرمان مجاهدین ایستاده باید اعدام شود. نمی‌دانست که از آن پس «سرموضع بودن» کد مقاومت و شرف و آزادی خواهد شد.

به آن قهرمانان و راه سرخی که پیمودند، هزاران درود.

اعدام به‌خاطر آرمان

توصیف حقوقی قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در حیطة صلاحیت شما حقوقدانان برجسته است. بنابر همه گزارش‌ها بیش از ۹۰ درصد اعدام‌ها از مجاهدین بوده که از ۸ سال قبل از قتل‌عام، آخوندهای ارشد رژیم می‌گفتند: به فرمان خمینی، آن‌ها هیچ‌گونه احترام جانی و مالی ندارند. خمینی، مجاهدین را تهدید موجودیت مذهبی و سیاسی رژیمش می‌دید، زیرا تفسیر ارتجاعی او از اسلام را رد کردند و دیکتاتوری ولایت‌فقیه را نپذیرفتند. چون معتقد بودند اسلام دین آزادی و برابری است.

خمینی بقای نظام ولایت فقیه را در نابودی صاحبان این اعتقاد می‌دانست و به همین خاطر در حکم قتل‌عام نوشت: مجاهدین مرتد هستند و هر کس بر سرموضع است، باید اعدام شود.

او می‌خواست این جریان و این اندیشه را ریشه‌کن کند، به‌نحوی که منتظری، جانشین وقت خمینی، در اعتراض نوشت: مجاهدین یک سنخ منطقی هستند، با کشتن از بین نمی‌روند، بلکه ترویج می‌شوند.

وقتی خمینی رو آوردن گسترده نسل جوان به مجاهدین را دید به شدت احساس خطر کرد و در ۴ تیر ۱۳۵۹، در سخنرانی علنی تأکید کرد «دشمن ما نه در آمریکا، نه در شوروی و نه در کردستان است، بلکه در همین‌جا در مقابل چشم‌های ما در همین تهران است».

سرانجام در تابستان ۶۷، خمینی کشتار وسیعی در تهران و بیش از ۱۳۰ شهر ایران را شروع کرد. یکی از مهم‌ترین اسناد در این خصوص، حکم هولناک خود اوست.

دستورالعمل اصلی حکم این است: کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع دفاع از مجاهدین پافشاری کرده و می‌کنند، محکوم به اعدام هستند.

بر این اساس هر یک از قتل‌عام‌شدگان نه به‌خاطر اعمال‌شان بلکه به‌خاطر پایبندی به اعتقاد و هدف و آرمانشان، اعدام شدند. برای اعدام هیچ یک از آنان محاکمه‌یی تشکیل نشد. فقط کافی بود هیات مرگ تشخیص دهد که زندانی هنوز بر سر موضع است.

بسیاری هواداران مجاهدین در بیرون زندان‌ها را در همان زمان دستگیر و اعدام کردند. تردیدی نیست که هدف این کشتار، نابودی تمام عیار یک جریان سیاسی و اجتماعی بود.

بر طبق این حکم، خون‌های مجاهدین حرمتی ندارد. شهیدان از داشتن سنگ مزار محروم‌اند و اعدام‌شدگان عمدتاً در گورهای دسته‌جمعی دفن شده‌اند و پدران و مادران و فرزندان و همسران از محل دفن عزیزان‌شان مطلع نیستند.

ده‌ها مورد از این گورهای دسته‌جمعی شناسایی شده است. اما رژیم در صدد نابودی این گورها از جمله در گورستان خاوران و ازبین بردن آثار این جنایت بزرگ است. این حکم در این چهار دهه، مبنای هر جنایتی علیه سازمان مجاهدین و سایر مبارزین بوده است.

هدف رژیم، نابودی جنبش مقاومت

سال‌ها بعد از قتل‌عام، آخوند رئیسی، رئیس‌جمهور فعلی رژیم گفت هر کس که منتسب به این سازمان باشد یعنی این آرمان را داشته باشد محکوم به اعدام است. چهار سال پیش مصطفی پورمحمدی عضو هیات مرگ در قتل‌عام ۶۷ و وزیر کشور و وزیر دادگستری پیشین رژیم گفت: «ما هنوز حساب‌مان را با مجاهدین تصفیه نکرده‌ایم».

از چهار دهه پیش، شعار اصلی رژیم مرگ بر منافقین است. که در هر مراسم رسمی بدون استثنا تکرار می‌شود. منافقین، اصطلاحی است که رژیم در مورد مجاهدین به کار می‌برد. هم‌چنین در مناسبات خود با هر دولتی در جهان، مهم‌ترین مرز سرخ را ارتباط با سازمان مجاهدین اعلام کرده است.

راستی آن‌همه حمله، موشک‌باران، محاصره درمانی و کشتار اسیران دست‌بسته در اشرف و لیبرتی در عراق برای چه بود؟ امروز چرا آخوندها اشرف ۳ در آلبانی را هدف دسیسه‌های خود قرار داده‌اند؟ اشرف ۳ در برگیرنده یک هزار زندانی سیاسی سابق از جمله شاهدان قتل‌عام ۶۷ است. آن‌ها نماد ۴دهه پایداری در مقابل این رژیم و ایستادگی بر سر موضع آزادی هستند.

حضور هزار زن مبارز که بنیادگرایی زن‌ستیز آخوندها را در داخل و خارج ایران به چالش کشیده‌اند، الهام‌بخش ده‌ها میلیون زن ایرانی است که هدف سرکوبگری بی‌وقفه رژیم هستند. رژیم به دنبال آن است که با شانتاژ و دروغ‌پردازی، حقوق بنیادین مجاهدین در اشرف را سلب و برای نابودی آن‌ها زمینه‌سازی کند. در روز ۳۰ خرداد امسال با تهدید و اعمال فشار به دولت آلبانی، باعث یک حمله بدون دلیل به اشرف ۳ شد که به شهادت یکی از مجاهدین و مجروح شدن شمار زیادی از آن‌ها منجر شد.

راستی با چه هدفی قضایه جلادان برای بیش از ۱۰۰ تن از مسئولان و اعضای این مقاومت که سال‌هاست در کشورهای اروپایی از جمله آلبانی پناهنده هستند، کیفرخواست صادر کرده است؟ البته بسیار روشن است که هدف باز هم، پرونده‌سازی برای اعمال فشار و زمینه‌سازی برای ترور آن‌هاست. هدف اصلی همان هدف ۴۰ ساله است. نابودی جنبش مقاومت و مقابله با اشرف که نماد سرموضعی‌ها در تاریخ معاصر است.

نوری پیشاپیش صفوف قیام‌کنندگان برای آزادی

امروز، بعد از گذشت ۳۵ سال، نظریه‌پردازان رژیم می‌گویند: «ما باید این را بدانیم که مسئله مجاهدین خلق مسئله روز ماست» و می‌گویند: «باید کاری کنیم که جوانان نسل امروز به دنبال پیوستن به سازمان نباشند».

خمینی و رژیمش در بستن راه مقاومت و قیام شکست خوردند و نتوانستند اجبار و تیره‌روزی را سرنوشت ابدی مردم ایران کنند. حالا این فرزندان رشید ایران‌اند که به قول مسعود «سرنوشت ایران را با قیام در میدان فدا و مجاهدت» می‌نویسند. قتل‌عام‌شدگان ۶۷ که با مارش خونین به‌سوی سالن‌های دار رفتند، نوری پیشاپیش صفوف قیام‌کنندگان برای آزادی هستند.

امروز جنبش دادخواهی، شعله‌های خون آن‌ها را فروزان می‌کند و نسلی را که در امتداد آن شهیدان به‌پاخاسته به‌سوی قیام و سرنگونی هدایت می‌کند.

جنبش دادخواهی جنبشی است که در آن خون‌های سربه‌داران ۶۷، ۱۵۰۰ شهید قیام ۹۸ و ۷۵۰ شهید قیام ۱۴۰۱ دائماً در جوش و خروش است و مردم را به ایستادگی و قیام و نبرد برمی‌انگیزد. و جنبشی است تا سرنگونی رژیم آخوندی.

در سطح بین‌المللی، زمان پایان‌دادن به‌مصونیت ۴۰ ساله سران رژیم از تعقیب و مجازات به‌خاطر نسل‌کشی و ارتکاب جنایت علیه بشریت است.

خامنهای، رئیسی و اژه‌ای و سایر مسئولان قتل‌عام ۶۷ و آمران کشتار جوانان ایران در خیزش‌های چند سال اخیر به‌ویژه سرکردگان سپاه پاسداران باید در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه شوند.

ولی فقیه رژیم، رئیس جمهور، رئیس قضاییه، رئیس مجلس و سرکردگان سپاه و دستگاه‌های امنیتی‌اش همه در جنایت علیه بشریت از سال‌های اول حاکمیت این رژیم مشارکت داشته‌اند. محاکمه این جنایتکاران، پیام‌آور عدالت و دادخواهی برای جامعه بشری است.

مردم ایران نه می‌بخشند؛ نه فراموش می‌کنند و روز حسابرسی را نزدیک و نزدیک‌تر می‌کنند. روز آزادی مردم ایران، در پرتو مبارزه و ایستادگی نسل‌های فداکار و شجاع ایران، مثل طلوع قطعی خورشید از راه می‌رسد.

از همه شما متشکرم.